

# تشیع استرآباد در عصر تیموریان



احمد خواجه نژاد \*

چکیده:

پس از هرج و مرج عمومی و درگیری بین آخرین بازماندگان ایلخانی، تیمور که در ماوراءالنهر بر بخشی از «اولوس جغتای» تسلط یافته بود به ایران حمله آورد و این سرزمین از جمله ایالت استرآباد را تابع خود کرد. تیمور و جانشینان او علی رغم گرایشات سنی به تشیع توجه داشتند. از سوی دیگر سابقه طولانی شیعه‌گری و همچنین ظهور سرداران شیعی و تسلط آنان پیش از تیمور بر استرآباد، فرصت گسترش تفکر شیعی در استرآباد را بیشتر فراهم کرد و به گونه‌ای شد که شهرت استرآباد به تشیع در این مقطع، برخی محققین را وا داشت تا قرن هشتم و نهم هجری را به عنوان قرن تشیع استرآباد یاد کنند و اینکه تشیع این شهر در این دو قرن در محدوده ایران از هر نقطه دیگر به ویژه از لحاظ علمی قوی‌تر بوده است. شواهد و آثار باقی مانده از شیعیان این دوره در استرآباد بیانگر این مدعاست.

\*کارشناس ارشد  
تاریخ ایران دوره  
اسلامی

واژگان کلیدی: استرآباد، تشیع، تیموریان.

## مقدمه:

تیمور مؤسس سلسله تیموریان در قریه خواجه ایلغار شهر کش در نزدیکی سمرقند به دنیا آمد.<sup>۱</sup> ابن عربشاه ضمن بیان اقوال مختلف درباره پیشه «ترغای» پدر تیمور، اینکه او از ارکان دولت سلطان بوده باشد را صحیح تر می‌داند.<sup>۲</sup> تیمور در نزاع بین سرداران مغول بر بخشی از «اولوس جغتای» تسلط پیدا کرد و قلمرو خود را در ماوراءالنهر گسترش داد<sup>۳</sup> و در نهایت در رمضان سال ۷۷۱ هجری بر تخت سلطنت نشست و سمرقند را مرکز حکومت خود ساخت.<sup>۴</sup> در همین مقطع، ایران گرفتار کشمکش‌ها و جنگ‌های دائمی بود و مردم با قحطی و بدبختی مواجه شده بودند و تیمور هم از اوضاع داخلی ایران بی‌خبر نبود. آشفته‌گی‌های فراوان باعث شد تا این خواست عمومی در بین ایرانیان به وجود آید که دستی از غیب برسد و آنان را از این گرفتاری نجات دهد. از دیگر سو تمایل تیمور به گسترش قلمرو خویش و ملاحظات اقتصادی، او را متوجه سرزمین‌های دیگر کرد. وی به ایران لشکر کشید و پس از جنگ و خون‌ریزی‌های فراوان، بر این سرزمین تسلط پیدا کرد. هر چند در ابتدا هجوم تیمور نیز همانند چنگیز با قتل و غارت و ویرانی همراه بود، اما اندک زمانی بعد تیمور و جانشینانش در برابر عظمت و فرهنگ و تمدن ایران زمین، سر تعظیم فرود آوردند و عصر حکمرانی جانشینان تیمور بر ایران را می‌توان یکی از برجسته‌ترین ادوار تاریخ این سرزمین برشمرد.<sup>۵</sup> مذهب رسمی تیموریان حنفی بود اما شواهد نشان می‌دهد که آنان به شیعیان هم توجه خاصی داشتند. به عنوان مثال تیمور در زمان فتح خراسان با مردی علوی به نام «محمد سربادل»، درباره چگونگی فتح خراسان مشورت کرد و او تیمور را راهنمایی کرد که به علی بن مؤید، حاکم شیعی و علوی بخشی از خراسان «که به نام ۱۲ امام سکه می‌زد و خطبه می‌خواند» نامه بنویسد و با او شرط کند که اگر امیران خراسان را به تسلیم بدون خونریزی وا دارد، او و یارانش، در ازاء این خدمت، در مقام خود تثبیت خواهند شد. تیمور همین کار را کرد و نتیجه مطلوب گرفت. تیمور، این نیکی و مساعدت شیعه را فراموش نکرد و در صدد برآمد، ایشان را بیشتر به سوی خود بکشد، تا آنجا که دمشق را با شعار انتقام امام حسین (ع) از نسل یزید که مقصودش مردم دمشق بود، گشود. در موضوع اظهار دوستی علی (ع) از طرف تیمور، عامل سیاسی دخالت داشته، در واقع این فاتح می‌خواست تا آخرین حد ممکن از ظرفیت‌ها و امکانات اتباع خود سود جوید.<sup>۶</sup>

قبل از حمله تیمور یکی از قیام‌هایی که توانست موفقیت نسبی در ابتدای کار خود داشته باشد و مناطقی را تحت تسلط و تاثیر خود در آورد، قیام سربداران بود. با توجه به خاستگاه مذهبی سربداران که شیعه امامی بودند، توجه آنان به مناطق مجاور خصوصاً سرزمینهای شیعه نشین بیشتر جلب شد. از جمله مناطقی که سربداران در ابتدای خروج خود متوجه آن شدند؛ جرجان و استرآباد بود. پس از تأسیس دولت سربداران توسط امیر عبدالرزاق، برادرش وجیه‌الدین مسعود به استوار کردن این دولت محلی پرداخت. امیر وجیه‌الدین سربداری بعد

۱. ابن عربشاه، ۱۳۵۶، زندگانی شگفت آور تیمور، ترجمه محمدعلی نجانی، نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ص ۴.

۲. همان، ص ۷.

۳. تاریخ ایران دوره تیموریان به روایت کمبریج، ۱۳۷۹، ترجمه یعقوب آژند، نشر جامی، تهران، ص ۵۴ و ۵۵.

۴. میرجعفری، حسین، ۱۳۹۰، تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، سمت، تهران، ص ۲۱.

۵. همان ص ۱.

۶. شبلی، کامل مصطفی، ۱۳۸۷، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، مترجم: علیرضا ذکارتی فراگزلو، امیرکبیر، تهران، ج ۱، ص ۱۵۹.

از شکست در جنگ «زاوه» و عقب نشینی به سبزوار، به فکر بسط حوزه متصرفات خود در سمت شمال و مغرب پرداخت. جنگی که در سال ۷۴۳ هجری میان امیر وجیه‌الدین مسعود سردار و برادر طغاتی‌مور (حاکم ایلخان جرجان) روی داد، استرآباد توسط سرداران تصرف شد.<sup>۷</sup> بدین ترتیب استرآباد دومین پایگاه دولت سرداران و مرکز ارتباط آنان با شیعیان و علویان و شیخیان گرگان و مازندران و گیلان گردید.<sup>۸</sup> هر چند استرآباد چندین بار بین سرداران و طغاتی‌موریان دست به دست شد. اما این شهر به علت حضور تشیع یکی از پایگاه‌های سرداران بود. و یکی از شواهد روشن این مدعا سکه‌هایی است که توسط سرداران و حاکمان آنان در استرآباد ضرب می‌شد. چنان که سکه‌های ضرب استرآباد در عصر سرداران هم اکنون نیز وجود دارد. از جمله سه سکه مربوط به سال‌های ۷۶۷ و ۷۶۸ و ۷۷۰ هجری که در زمان سلطان علی موید سرداری در استرآباد ضرب شده است. بر روی این سکه کلمات «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»، «علی ولی الله» و «اللهم صل علی محمد و علی والحسن والحسین وعلی و محمد و جعفر و علی و محمد و علی والحسن و محمد الحجه» را نشان می‌دهد.<sup>۹</sup> دو سکه از این مجموعه در انجمن سکه شناسی آمریکا و یکی هم در مجموعه موزه ایران باستان نگهداری می‌شود.<sup>۱۰</sup>

حضور سرداران در استرآباد از یک سو نشانه وجود زمینه مساعد اندیشه شیعی در این ناحیه است و از سوی دیگر با تصرف این منطقه توسط آنان، این مذهب در استرآباد تقویت شد و گرایش شیعی قوت گرفت.

در آستانه هجوم تیمور، «امیر ولی» پسر شیخ علی هندو حاکم استرآباد بود. او در کشمکش با سرداران حاکمیت خود را بر این سرزمین تثبیت کرده بود. «امیر ولی» در دومین لشکرکشی تیمور از او اطاعت کرد و وعده داده بود که در رکاب وی باشد. اما اندکی پس از آن، از این وعده سر باز زد. تیمور تصمیم گرفت به استرآباد حمله کند. لذا در سومین یورش خود به ایران، در سال ۷۸۶ به استرآباد یورش آورد. و با انهزام امیر ولی و سپاهش، این منطقه را تصرف کرد و ولایت جرجان را به «پیراک شاه» پسر لقمان و از نوادگان «طغاتی‌مور» داد و در شوال همان سال عازم ری شد.<sup>۱۱</sup> پس از آن استرآباد همیشه صحنه تاخت و تاز تیموریان بود.

#### آثار و اماکن مذهبی شیعی

شواهد متقن از حضور پر رنگ تشیع در استرآباد در عصر تیموری را می‌توان در بسیاری از منابع تاریخی یافت. از جمله نشانه‌های شیعیان در استرآباد آثار باقی مانده این دوره است که برخی از آنها هم اکنون نیز وجود دارند. یکی از آثار تاریخی به جای مانده در شهر استرآباد ساختمان امامزاده ای موسوم به اسحاق بن موسی بن جعفر (ع) مشهور به امامزاده نور است. هر چند به گواهی پژوهشگران، بسیاری از آثار به جای مانده در این بنا مربوط به عصر سلجوقی<sup>۱۲</sup> و حتی پیش از آن است<sup>۱۳</sup>، اما بر چهارچوبه یکی از درهای امامزاده کتیبه‌ای وجود دارد که متعلق به سال ۸۵۷ هجری است. معرف آن است که این در، به وسیله حاجی محمد

۷. خواندمیر، غیاث‌الدین، ۱۳۸۰، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، زیر نظر: محمد دبیر سیاقی، بامقدمه: جلال‌الدین همایی، خیام، تهران، ج ۳، ص ۳۵۸.

۸. حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۶۳، تاریخ جنبش سرداران و دیگر جنبش‌های ایرانیان در قرن هشتم، انتشارات علمی، تهران، ص ۱۸۸.

۹. اسمیت، جان سن، ۱۳۶۱، خروج و عروج سرداران، ترجمه یعقوب اژند، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ص ۲۵۹.

۱۰. همان، ص ۲۶۸.

۱۱. خواندمیر، همان ج ۳، ص ۴۳۶.

۱۲. هیلن‌بران، ر، ۱۳۸۴، امامزاده نور گرگان، ترجمه: فرشته سپاهانی، مجله وقف میراث جاویدان، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۵۲، ص ۹۸ تا ۹۸.

۱۳. مستوده، منوچهر، ۱۳۷۵، از آستارا تا استارآباد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ج ۵، ص ۱۹۵.



ساختمان امامزاده نور گرگان که برخی از آثار باقی مانده در آن مربوط به عصر تیموری است.

و به امر جلال الدین بایزید جلیلی حسینی در ماه رجب این سال ساخته شده است. در متن این کتیبه آمده است:

«قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم الصدقه ترد البلاء و تزيد في العمر صدق رسول الله و وقف هذا الباب على الروضه المنوره المعروفه بمشهد النور امير الامراء العظام الامير على بهاء الدین ابن امير كبير المعظم امير جلال الدين بایزید الجليله

الحسینی ادام الله تعالی ظلال جلاله و لقاء لمرضاه الله تعالی و طلبا بجزیل ثوابه و کرمه و رحمه و شفاعة رسول الله و نبیه محمد و اهل البيت المعصومین و تقبل منه فی شهر رجب المرجب سنه سبع و خمسين و ثمانمائه الهجریه النبویه المصطفویه الهم اغفر لکاتبه و لمرقده سعی و عمل العبد حاجی محمد»<sup>۱۴</sup>

از دیگر اماکن مذهبی شیعیان در گرگان، امامزاده عبدالله گرگان است که در بخش شمالی شهر واقع است و از گذشته‌های بسیار دور تاکنون زمین‌های اطراف آن محل دفن اموات می‌باشد. هر چند ساختمان و بنای فعلی امامزاده در چند سال اخیر باسازی کامل شد، اما شواهد متقن نشان می‌دهد که این امامزاده حداقل در زمان تیموریان مورد توجه بسیار بوده است. زیرا کتیبه سنگی حکاکی شده تا اوایل دهه چهل خورشیدی در سمت چپ در ورودی بقعه وجود داشت که مربوط به سال ۸۰۵ هجری بود. تصویر این کتیبه هم اکنون نیز وجود دارد.<sup>۱۵</sup> در حاشیه این کتیبه این حدیث از پیامبر(ص) آمده است: «اعمل لدنیاک بقدر بقاءک فیها و اعمل لآخرتک بقدر بقاءک فیها» در وسط کتیبه کلمه «علی» ۱۲ بار تکرار شده است. و تاریخ کتیبه مربوط به ماه شوال سال ۸۰۵ است.

کتیبه‌ی دیگری هم در این بقعه بر چهارچوب در آن تا اواخر دوره قاجار نصب بود. رابینو کنسول سفارت بریتانیا در شهر رشت که در فاصله سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۲۸۹ شمسی به مازندران و استرآباد سفر کرد و گزارش سفر خود را در باب وضع جغرافیایی و تاریخی دو ایالت استرآباد و مازندران منتشر کرد؛ این کتیبه را دیده و متن آن را خوانده است. کتیبه به خط فردی به نام یوسف فرزند شکر دریندی بود که روایت می‌کند این در به امر کفر بن شاه بن شمس الدین در ذی القعدة سال ۸۷۳ هجری ساخته شده است.<sup>۱۶</sup> متن این کتیبه شامل صلوات کبیر که از نشانه‌های تشیع امامی است و همچنین سوره قدر بوده، چنین است:

«الهم صل علی محمد المصطفی و صل علی علی المرتضی و صل علی حسن الرضا و صل علی الحسین الشهدید بکربلا و صل علی علی زین العابدین و صل علی محمد الباقر و صل علی جعفر الصادق و صل علی موسی الکاظم و صل علی علی ابن موسی الرضا و صل علی

۱۴ . رابینو، یاستن لویی، ۱۳۸۳، مازندران و استرآباد، مترجم: غلامعلی وحید مازندرانی، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ص ۲۷۶.

۱۵ . معطوفی، اسدالله، ۱۳۸۷، گرگان و استرآباد سنگ مزارها و کتیبه‌های تاریخی، حروفیه، تهران، ص ۱۱۰۰.

۱۶ . رابینو، همان، ص ۱۲۲.

محمد التقی و صل علی علی النقی و صل علی الحسن العسکری و صل علی حجه القائم صاحب الزمان محمد المهدي صلوات الله عليهم اجمعين لقد قال بسم الله الرحمن الرحيم انا انزلناه في ليلة القدر و ما ادريک ما ليلة القدر ليلة القدر خير من الف شهر تنزل الملائكة و الروح فيها باذن ربهم من كل امر سلام هي حتى مطلع الفجر كيف بن شاه ابن شمس الدين المذكور من عزة و رحم في شهر ذيقعدة الحرام من سنة خجسته ثلث و سبعين و ثمانمائه كتب يوسف ابن شكري الدربندی عامله مسعود ابن حسينخان شیرازی»<sup>۱۷</sup>

از اماکن مذهبی دیگر شیعیان که از آثار باقی مانده در آن بر می آید که این بقعه در اواسط قرن نهم ساخته شده است و بسیار مورد احترام مردم این دیار بوده است. امامزاده روشن آباد است. مشهور است که در این بقعه امام زادگان عبدالله و فضل الله از نوادگان امام موسی بن جعفر(ع) مدفون هستند. و ساخت مقبره بر روی قبر نوادگان ائمه شیعه همگی آنها نشانه‌هایی از حضور پر رنگ شیعیان در منطقه دارند. رابینو وضعیت این امام زاده را در زمان قاجار تشریح کرده در بخشی از آن آمده است:

«...پس از عبور از بستر خشک سیلگاهی به امامزاده روشن آباد که گورستان بزرگی در آنجاست رسیدیم. این مقبره گنبدی دارد که سابقا از کاشی آبی پوشیده شده بود اما اکنون استراحت گاه گروه بزرگی از کبوتران است. در آنجا مقبره ابراهیم و محمد، برادران امام رضا(ع) نیز هست که درهای آن از چوب کاج و با آیات قرآن بصورت زیبایی منبت کاری شده بود. صندوق چوبی آن مقبره، عمل استاد حاجی عبدالله تاریخ آن ۸۷۹ هجری و خطاط آن نظام نامی بوده. درب اطاق درونی عمل استاد کاظم بن علی نیشابوری، تاریخ آن اول شعبان ۸۷۷ هجری بوده است»<sup>۱۸</sup>

صندوق چوبی مقبره این امامزاده از آثار زیبا و هنری برجای مانده عصر تیموری است. بر روی سطوح این صندوق نقوش و متونی حکاکی شده است. و همان گونه که گفته شد تاریخ ساخت این صندوق مربوط به سال ۸۷۹ قمری است. آیه الکرسی و صلوات کبیر خاص شیعه بر اطراف صندوق نقش بسته است.



صندوق چوبی مقبره امامزاده روشن آباد که مربوط به سال ۸۷۹ قمری است.

متن صلوات بر پیامبر(ص) و ۱۲ امام(ع)

که در اطراف صندوق حکاکی شده، اینگونه است:

اللهم صل علی محمد المصطفی و امام علی المرتضی و امام حسن الرضا و امام حسین الشهدید بکربلا و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر الصادق و امام موسی الکاظم و امام علی بن موسی الرضا و امام محمد التقی و امام علی النقی و امام حسن العسکری و امام محمد المهدي صلوات الله عليهم اجمعين.<sup>۱۹</sup>

۱۷ . رابینو، همان، ص ۲۷۷.

۱۸ . رابینو، همان، ص ۱۱۶.

۱۹ . رابینو، همان، ص ۲۸۵.

همچنین درهای ورودی این امامزاده نیز دارای کتیبه‌هایی است که تاریخ ساخت آنها را سال‌های ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۶۵ و ۸۹۹ هجری نشان می‌دهد.<sup>۲۰</sup>

از دیگر اماکن مذهبی منسوب به شیعیان در ایالت استرآباد؛ امامزاده عبدالله بن موسی بن جعفر (ع) فندرسک است که در نزدیکی روستای معصوم آباد فندرسک واقع شده است. کتیبه موجود در این امامزاده نشانه آن است که این بقعه حداقل در سال ۸۷۴ قمری دارای بنا و ساختمان و مورد توجه شیعیان بوده است. بر روی صندوق موجود بر مقبره این امامزاده شجره نامه آن که کتابت آن مربوط به سال اشاره شده است این گونه آمده است:

«هذا المشهد المنور والمرقد المعطر المسمى بالاعظم عبدالله بن موسی الكاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی الجواد بن الحسين الشهيد بن علی ابی طالب علیه افضل الصلوات و اكمل النجبات صلوات الله علیه و علیهم اجمعین الطاهرين.»

آثار تاریخی دیگری که به رونق تشیع در استرآباد شهادت می‌دهد؛ سنگ مزارهایی است که در جای جای این ناحیه، چه در نواحی کوهستانی و چه در دشت و روستاها، می‌توان آنها را مشاهده کرد. برخی از این سنگ‌مزارها مربوط به عصر تیموری است و متون حکاکای شده روی آنها بر گرفته از اعتقادات شیعیان است.

از آن جمله سنگ مزاری در امامزاده ابراهیم واقع در چشمه «رنگو» واقع در منطقه جنگلی جنوب شهر گرگان است. متن درج شده بر روی یکی از این سنگ‌ها که مربوط به سال ۸۸۶ هجری می‌باشد، اینگونه است:

«انتقل من دارالفناء الی دارالبقاء المتوفی السعید المرحوم المغفور المبرور الماضي کدخدا داد اجل میرک بن علی ایشو قدس الله روحه و نور قبره تحریرا فی صفر المظفر ختم بالخیر سنه ست و ثمانین و ثمانمائه»

در حاشیه همین سنگ صلوات بر دوازه امام شیعه و آیات «کل نفس ذائقة الموت» و «کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام» آمده است.<sup>۲۱</sup>

همچنین سنگ‌گورهای قبور حومه گرگان که هم اکنون به موزه این شهر منتقل شده و در آن جا نگهداری می‌شود نیز آثار فراوانی از اعتقادات شیعه را بر روی آنان می‌توان مشاهده کرد. متن حک شده بر روی یکی از سنگ‌ها به این شرح است که:

«انتقل من دارالفناء الی دارالبقاء المتوفی المغفور الماضي درویش حقیقی. . . عرب المتبرک حسین بن مولاجر ابن محمد زکی سنه ست و ثمانمائه»

در حاشیه این سنگ که مربوط به سال ۸۵۶ قمری است صلوات کبیر بر چهارده معصوم که از نشانه‌های تشیع می‌باشد، آمده است.<sup>۲۲</sup>

در سنگ دیگر این مجموعه این گونه آمده که: «وفات صاحب الاعظم قدره الحاج الحرمین خواجه نظام الدین بن خواجه علاءالدین کوه باجیلانی فی شهر صفر خمس تسعین و ثمانمائه» در حاشیه این سنگ صلوات بر ۱۴ معصوم (ع) حک شده است.<sup>۲۳</sup>

۲۰ . معطوفی، همان، ص ۳۳۳.

۲۱ . ستوده، همان، ج ۵، ص ۲۶۳.

۲۲ . ستوده، همان، ج ۵، ص ۱۴۳.

۲۳ . ستوده، همان، ج ۵، ص ۱۴۷.

## وقف نامه‌ها

یکی از تأثیرات حضور تشیع در استرآباد وقف اموال، املاک و مستقالات برای صرف در امور مذهبی شیعه بوده است. به طور کلی نهاد وقف و کارکردهای آن در جامعه از موضوعات بسیار مهم است. این نهاد با در دست داشتن امکانات مالی بسیار و نیز داشتن صبغه مذهبی جایگاه ویژه‌ای در جامعه داشته و می‌توانسته است تأثیرات زیادی بر جامعه بگذارد. در حقیقت نیز یکی از اموری که موجب گسترش تشیع شد، وقفیاتی بود که جنبه‌های تبلیغاتی برای این آیین داشت. موقوفاتی که برای انجام مراسم مذهبی، ساخت، تعمیر و نگهداری اماکن و بقاع متبرکه، آموزش معارف دینی و آموزه‌های مذهبی و... وقف شده بودند. و موقوفات فراوانی را می‌توان در استرآباد یافت که مربوط به آیین مذهبی شیعیان است و بیانگر عمق اعتقادات شیعی این ناحیه از گذشته دور بوده است. در این نوشتار فقط به دو وقف‌نامه اشاره می‌شود.

## ۱) وقف‌نامه روشن‌آباد

از جمله وقف‌نامه‌های موجود در استرآباد که از قدیمی‌ترین وقف‌نامه‌های عام این منطقه نیز می‌باشد، وقف‌نامه روشن‌آباد، مربوط به اواخر دوره تیموری (ذی‌القعدة الحرام سال ۹۰۰ هجری) است. و با صلوات بر پیامبر خاتم(ص) و اهل بیت طاهرش آغاز می‌شود و آیات و روایاتی در رثای اهل بیت پیامبر(ص) و ائمه ۱۲ گانه شیعه آمده است و با نام بردن از دو امام‌زاده مدفون در روشن‌آباد به نام‌های عبدالله کاظم و فضل کاظم، چشمه آب این ناحیه، آسیاب، باغات و زمین‌های کشاورزی اطراف را وقف کرده است. بر اساس متن وقف‌نامه درآمد موقوفه پس از مصارف ضروریه امام‌زاده و مسجد مجاور آن، باید با شرایط اعلام شده بین امام‌جماعت مسجد مجاور امام‌زاده، حافظ قرآن که صبح و شام در این محل ختم قرآن کند، مؤذن، مُعَرَّف که به معرفی مسجد و امام‌زاده مذکور می‌پردازد، مجاور که ملازم مزار و مسجد است، متولی شرعی، مُدَرِّس که در محل امام‌زاده به تدریس علوم دینی مشغول است و بخشی نیز بین فقرا و مساکین تقسیم شود.



متن وقف‌نامه دارای نکات حائز اهمیت است. این نوع وقفیات علاوه بر آنکه بیانگر حضور شیعیانی معتقد و استوار در این منطقه است، بیانگر توجه شیعیان به اشاعه مذهب و اعتقادات خود و همچنین گسترش علم آموزی و تدریس و توجه هر چه بیشتر به رونق اماکن مذهبی شیعه می‌باشد.

متن این وقف‌نامه طولانی است و آوردن همه فرازهای آن در این مجال نمی‌گنجد، در بخشی از آن آمده است:

«...اما بعد بر ضمایر خجسته مآثر ذوی الابصار روشن و مبرهن است که هیچ وسیلتی در عقبی خوش و شیرین‌تر از محبت و مودت آل عبا به مقتضی آیة کریمه منزله قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی نیست و هر صاحب دولتی که از سر صدق نیت و از خلوص عقیدت اقتدا کلام فرخنده انجام حضرت نبوی که انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی نموده قرآن مجید را قبله اعمال خود ساخته دست تولا در دامن اعتصام انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا استوار نماید از شقاوت ابدی خلاص یافته به دولت سرمدی فائز گردد. و ذلک فضل یوتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم...»<sup>۲۴</sup>

## ۲) وقف‌نامه یساقی

یکی دیگر از وقف‌نامه‌های اواخر عصر تیموری استرآباد، وقف‌نامه موسوم به یساقی است. تاریخ این وقف‌نامه مربوط به ۱۴ ذی‌الحجه سال ۹۰۳ قمری است. واقف آن بر اساس نص وقف‌نامه از سادات و شیعیان امامیه است و در متن، واقف اینگونه معرفی شده است که:

«افتخار الاعاظم والا عالی قطب السماء السیاده مرکز دایره السعاده حامل لواء الشریعه المصطفویه سالک مسالک طریقه المرتضویه سید شهاب‌الدین فضل‌الله القاضی ابن السید الکبیر الماضي.»

در این وقف‌نامه آبادی‌های «روشن‌آباد»، «زینل‌آباد» و «سیاه‌دارستان» واقع در بلوک سدن رستاق ولایت استرآباد با جمیع توابع و لواحق و مضافات و منسوبات و حقوق داخله و خارجه، وقف بر اولاد ذکور شده است. از جمله نکات قابل توجه در متن این وقف‌نامه آن است که اکثر افراد نام برده شده در این سند که از مالکان اراضی و مجاوران ملک موقوفه بوده‌اند، خود از سادات‌اند که بیانگر حضور پر نفوذ سادات و شیعیان در این ناحیه است.<sup>۲۵</sup>

## جایگاه علمی

وجود اجزات متعدد از سوی علمای بزرگ شیعه در این عصر، بیانگر رونق بازار درس و بحث و محافل علمی شیعی در استرآباد است. که منجر به هجرت شیعیان از نقاط دیگر به استرآباد برای ادامه تحصیل و زندگی در این ناحیه می‌شد. از نمونه‌های اجزات، می‌توان به اجازه تدریس کتاب «ارشاد الاذهان» علامه حلی توسط شیخ محمد بن زین‌الدین علی بن ابی‌جمهور احسائی صاحب کتاب «عوالی اللالی» به شیخ محمد بن صالح غروی اشاره کرد که در تاریخ ۲ جمادی الاولی سال ۸۹۸ ق صادر شده است. محمد صالح غروی نیز همین

۲۴. ذیحجی، مسیح، ۲۵۳۶ (۱۳۵۶)، استرآبادنامه (سه سفرنامه، وقف‌نامه و سرگذشت)؛ امیرکبیر، تهران، صص ۲۸۶-۲۸۱

۲۵. ستوده، همان، ج ۵، ص ۲۶۱.



اجازه را در یعقوب محله‌ی استرآباد به شیخ ربیع بن جمعه عبری عبادی داده‌است.<sup>۲۶</sup> البته منابع روایی و رجالی به نمونه‌های متعددی از این اجازات اشاره کرده‌اند. این رونق در بازار کسب علم و دانش شیعی در استرآباد، زمینه سفر طالبان دانش شیعی، از نواحی دیگر، را فراهم می‌کرد. از جمله آن می‌توان به «سیدابراهیم موسوی مشعشعی» اشاره کرد که از سادات مشعشعه خوزستان بود و در عنفوان جوانی به عزم تحصیل علوم دینی و معارف یقینی از خوزستان که دارالملک سلاطین موسویه مشعشعیه بود، بیرون آمد و به استرآباد سفر کرد.<sup>۲۷</sup>

همچنین شمس‌الدین محمد بن عبدالله کاتبی نیشابوری از شعرای قرن نهم که در سرودن شعر خصوصاً قصاید شیوا و جانسوز که در ماجرای کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش زبازد و پرآوازه است، در اواخر عمرش به استرآباد آمد و در استرآباد از دنیا رفت.<sup>۲۸</sup> آوازه تشیع استرآباد در این دوره به گونه‌ای بوده است که گاهی در معرفی شیعه سایر بلاد مورد مثال قرار می‌گرفت. «شمس‌الدین ذهبی» از علمای رجال و از مورخین قرن هشتم هجری با آنکه گرایشات ضد شیعی داشت در کتاب «المشبه» وقتی می‌خواهد درباره تشیع کاشان بنویسد می‌گوید: این شهر مثل استرآباد شهری سنی بود که به تدریج روافض بر آن غلبه کردند<sup>۲۹</sup> و یا داستانی از برخورد یک استرآبادی با «عبدالرحمن جامی» شاعر معروف عصر تیموری نقل شده است که روزی مردی غریب به او برخورد کرد. جامی از او پرسید تو چه کسی هستی؟ آن مرد خود را سیدی شیعی، اهل استرآباد معرفی کرد که در جستجو و طلب علم است، جامی که خود سنی بود گفت: «اختصار در کلام مطلوبست. می‌بایست گفت کافر مطلق و خود را و ما را از این همه گفت و شنید فارغ ساخت.» نورالله شوشتری پس از نقل این داستان به سابقه و شهرت مردم جرجان و استرآباد در گرایش به تشیع اشاره دارد. و می‌گوید: «بالجمله اهل جرجان در تشیع مشهورند و در السنه جمهور بتصلب در آن مذکور».<sup>۳۰</sup>

البته در دوره تیمور اختلاف مذهبی و درگیری بین طرفداران مذاهب وجود داشت. عده‌ای از سرشناسان و علمای شیعه در این دوره به دام کینه‌توزی‌ها گرفتار شده و به قتل می‌رسیدند و در استرآباد نیز این‌گونه بود. در همین دوران امیر سید کمال‌الدین که از سادات جلیل‌القدر استرآباد بود در سن ۸۴ سالگی به قتل رسید.<sup>۳۱</sup> اما با همین شرایط شهرت استرآباد به تشیع در این دوره به گونه‌ای است که برخی محققین اخیر، از قرن هشتم و نهم هجری به عنوان قرن تشیع استرآباد یاد کرده‌اند و اینکه تشیع این شهر در این دو قرن در محدوده ایران از هر نقطه دیگر به ویژه از لحاظ علمی قوی‌تر بوده است.<sup>۳۲</sup>

برخی از مشاهیر شیعه استرآباد

حزینی (حزنی) استرآبادی:

سید حسن حزینی (حزنی) استرآبادی از سادات و شاعران غزل سرای شهر استرآباد بود.

۲۶. آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، کتابخانه اسلامی، تهران، ج ۹، ص ۲۴۰.

۲۷. شوشتری، نورالله، ۱۳۷۷، مجالس المؤمنین، اسلامی، تهران، ج ۲، ص ۵۲۲-۶۲.

۲۸. همان، ج ۲، ص ۶۵۹.

۲۹. جعفریان، رسول، ۱۳۸۶، تاریخ تشیع در ایران تا طلوع دولت صفوی، نشر علم، تهران، ص ۸۱۵.

۳۰. شوشتری، همان، ج ۱، ص ۱۰۱.

۳۱. الویری، محسن، ۱۳۸۴، زندگی فرهنگی و اندیشه سیاسی شیعیان از سقوط بغداد تا ظهور صفویه ۶۵۶-۹۰۷، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ص ۳۶۵.

۳۲. جعفریان، رسول، همان، ص ۸۱۴.

او قاضی این شهر و مدتی هم قاضی هرات بود. در سال ۹۳۹ به حکم عبیدخان ازبک به جرم تشیع کشته شد.<sup>۳۳</sup> برخی منابع او را میر سید حسن قاضی که به «میر» تخلص می‌کرد، معرفی کرده‌اند.<sup>۳۴</sup>

### امیر حسن فندرسکی:

از اهالی فندرسک گرگان و از سادات معروف این دیار بود و در غزل سرایی و قصیده‌سرایی استادی ماهر بود. تحفه سامی او را در اکثر اصناف صاحب فضل و در غزل بی‌بدیل و در قصیده عدیم‌المثل دانسته است.<sup>۳۵</sup>

### کمال‌الدین استرآبادی:

کمال‌الدین حسن بن شمس‌الدین محمد استرآبادی نجفی، فقیه، مفسر، عارف و متکلم نامدار امامیه قرن ۹ هجری است.<sup>۳۶</sup> مولف ریاض‌العلماء کتاب «معارض السوال و مدارج المامول» در شرح ۵۰۰ آیه از آیات الاحکام که به تفسیراللباب شناخته شده است را از تألیفات او بر می‌شمرد. افندی همچنین پدرحسن بن محمد استرآبادی را از علما معرفی کرده که ظاهراً او از شاگردان پدرش بود. از جمله نظرات فقهی استرآبادی را؛ حرمت نماز جمعه در زمان غیبت امام معصوم می‌داند.<sup>۳۷</sup>

از جمله آثار حسن بن محمد استرآبادی عبارتند از: آیات الاحکام، رساله عرفانی و اخلاقی، شرح الفصول النصیریه.<sup>۳۸</sup>

### رکن‌الدین جرجانی:

محمد بن علی بن محمد، رکن‌الدین جرجانی، فقیه و مفسر امامی که در استرآباد متولد شد و در کلام، منطق و ادبیات تبحر داشت. او صاحب تألیفاتی بود که برخی از آنها را در نجف نوشته بود.

از زمان فوت او اطلاع دقیقی در دست نیست. اما در برخی آثارش سال فراغت از تالیف ۷۲۰ ذکر شده است. همچنین کتاب «غایه‌البادی» را به نام عمیدالدین عبدالمطلب بن علی ابن مختار حسینی که از نقبای سادات بود، در سال ۶۹۰ نوشته است.<sup>۳۹</sup> از جمله آثار وی روضه المحققین فی تفسیر القرآن المبین، الشافی در موضوع فقه، الرافع فی شرح النافع در فقه، غایه‌البادی فی شرح المبادی در اصول فقه، اشراق اللاهوت فی شرح الیاقوت در علم کلام، الدعامة فی الامامة، الدرہ البهیة فی شرح الرساله الشمسیة در منطق، المباحث العربیة در شرح الکافیة الحاجبیه، البدیع در علم نحو، الرفیع فی شرح البدیع، وسیلة النفس إلى حظیره القدس، و التبر المسبوک فی وصف الملوک. رکن‌الدین همچنین تعدادی از آثار خواجه نصیرالدین طوسی را از فارسی به عربی ترجمه کرده است.<sup>۴۰</sup>

### حسین بن حسن جرجانی:

حسین بن حسن، مشهور به ابوالمحاسن جرجانی (ابوالمحاسن گازر)، عالم شیعه و مؤلف تفسیر فارسی موسوم به «جلاء الازهان و جلاء الاحزان» است. وی را از مشاهیر علمای

۳۳. صفوی، سام میرزا، ۱۳۸۴، تذکره تحفه سامی، محقق: رکن‌الدین‌همايون فرخ، نشر اساطیر، تهران، ج ۱، ص ۱۷۱.

۳۴. نوایی، امیرعلی شیر، ۱۳۶۳، مجالس النفايس، چاپ منوچهری، تهران، ص ۴۵.

۳۵. صفوی، همان، ص ۵۳.

۳۶. آقابزرگ تهرانی، الذریعه، همان، ج ۱، ص ۴۲.

۳۷. افندی، میرزا عبدالله، ۱۴۰۳، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، محقق: احمد حسینی اشکوری، به اهتمام: محمود مرعشی، خیام، قم، ج ۱، ص ۱۴۳.

۳۸. مقدم، محمد باقر، ۱۳۹۲، اثر آفرینان استرآباد و چرجان، به کوشش: موسسه فرهنگی میرداماد، کتاب‌نشر، تهران ۱۳۷ و ۱۳۸.

۳۹. آقابزرگ تهرانی، الذریعه، همان، ج ۱۶، ص ۱۰.

۴۰. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۴۱۸، موسوعه طبقات الفقهاء، موسسه امام صادق(ع)، قم، ج ۸، ص ۲۱۳.

امامیه دانسته‌اند.

از زندگی او اطلاعات کاملی در دست نیست. نخستین کسی که در چند سطر و به اختصار از او یاد کرده است، مرحوم افندی در ریاض لعلم است. او ابوالمحاسن را عالمی فاضل، محدثی قابل اعتماد و مفسری مشهور توصیف کرده است. بر اساس نسخه‌ای از تفسیر جلاءالاذهان که کتابت آن مربوط به سالهای ۸۸۸-۸۹۰ (ه ق) بود، می‌توان گفت ابوالمحاسن قبل از سده ۹ زندگی می‌کرده است.<sup>۴۱</sup>

### علی بن حسن استرآبادی:

زین الدین علی بن حسن بن محمد استرآبادی، بر اساس نقل مولف ریاض العلماء دانشمندی فاضل و فقیهی کامل از متاخرین فقها به حساب آمده است. از این عالم گرانقدر، چند اجازه برای شاگردانش صادر شده است. این اجازات را افندی دیده است. به نظر افندی سال وفات او باید پس از ۸۳۰ باشد؛ زیرا اجازات او تا این سال هم نوشته شده است.<sup>۴۲</sup>

### نظام استرآبادی:

نظام الدین بن حسین بن مجدالدین استرآبادی، از شاعران شیعی مذهب اواخر سده نهم و اوایل سده دهم قمری است. شیعی مذهب بودن او را قصایدش که در منقبت ائمه اطهار هستند، آشکار میکند؛ قصایدی که در دیوانش فراوان به چشم می‌خورد. ادوارد براون در تاریخ ادبیات خود او و دیگر شاعران منقبت سرای همعصرش را مقدمه ظهور و شیوع این نوع شعر در عهد صفوی دانسته است.<sup>۴۳</sup>

سام میرزا نیز ضمن شرح حال وی آورده است که: «از غایت صفای نیت و خلوص طویت بمداحی اهل بیت علیه السلام روی آورده از رشحات اقلام بلاغت انجامش ریاض سخنوری نضارت پذیرفت و از برکت سحاب افادت آیاتش گل‌های گوناگون در حدایق آمالش شکفت. کتاب بلقیس و سلیمان از جمله اشعار آن خجسته آثار است وفاتش در سنه احدی و عشرین و تسعمایه (۹۲۱) بود.»<sup>۴۴</sup>

امیر علی شیر نوایی وی را مردی طالب علم معرفی کرده که قصیده را خوب می‌گفت و دائم به طرح معما مشغول بود.<sup>۴۵</sup> به همین خاطر او را نظام معمایی نیز نامیده‌اند.

نظام استرآبادی مدیحه سراسر است، بیشترین قصاید او در مدح ائمه (ع)، به ویژه، علی (ع) و آل اوست و حتی هنگامی که مدح بزرگان وقت را می‌گوید. آنان را به دوستی اهل بیت می‌ستاید. تا جایی که بسیاری از تذکره نویسان او را مداح اهل بیت معرفی کرده‌اند و مدایح او برای پیامبر و علی و آل علی (ع) را بی نظیر دانسته‌اند.

### فضل الله حروفی استرآبادی:

او نهضت حروفیه را پایه‌ریزی کرد. هر چند اختلاف نظرهای زیادی در خصوص اعتقادات او وجود، دارد اما بسیاری منابع معتقدند که وی در یک خانواده با گرایشات شیعی متولد

۴۱. مقدم، همان، ص ۱۷۵.

۴۲. افندی، همان، ج ۳، ص ۴۱۲.

۴۳. براون، ادوارد، ۱۳۳۳، تاریخ ادبیات ایران، مترجم: علی پاشا صالح، بی‌نا، تهران، ج ۴، ص ۴۶۳.

۴۴. صفوی، همان، ج ۱، ص ۱۷۱.

۴۵. نوایی، همان، ص ۴۵.

شده و رشد یافته است. در میان علمای شیعه، علامه امینی شرح حال ستایش آمیزی درباره فضل الله حروفی نوشته و او را جامع علوم عقلی و نقلی و از سادات صحیح النسب و شهدای عالی قدر شیعه معرفی کرده است.<sup>۴۶</sup>

آقابزرگ تهرانی نیز از فضل الله حروفی با عنوان شهید یاد کرده است.<sup>۴۷</sup> میرزا محمدعلی مدرس تبریزی مولف ریحانه الادب، فضل الله را حکیم، عارف و دارای علوم ظاهری و باطنی و صاحب کرامات معرفی کرده است که به فتوای جهال متلبس به لباس اهل علم کشته شد.<sup>۴۸</sup> قدیمی ترین اثری که راجع به فضل اطلاعاتی داده، کتابی از مقریزی است که هم عصر فضل الله بوده است. او فضل الله را از اهالی استرآباد معرفی کرده و می نویسد: فضل الله ابوالفضل الاسترآبادی العجمی و اسمه عبدالرحمن و لکنه انما يعرف بالسید فضل الله حلال خور ای یاکل حلال.<sup>۴۹</sup>

برخی منابع بر اساس یک نسخه خطی، اعقاب فضل الله را تا امام موسی کاظم (ع) عقب برده و او را از سادات و فرزندان جعفر بن موسی کاظم (ع) معرفی کرده اند.<sup>۵۰</sup> و اکثر منابع بر آنند که فضل الله در سال ۷۴۰ قمری در استرآباد چشم به جهان گشود.<sup>۵۱</sup>

بنابر اعتقادات حروفیان، گردش کائنات بر اساس سه مرحله نبوت، امامت و الوهیت بنیان گذاشته شده است. نبوت با حضرت آدم شروع شد و با ظهور و رحلت حضرت محمد (ص) به عنوان خاتم انبیاء به پایان رسید. امامت نیز با حضرت علی (ع) آغاز شد و با امامت امام حسن عسکری (ع) خاتمه یافت. پس از آن دوران الوهیت است که با ظهور آخرین امام یعنی مهدی (عج) موعود آغاز می شود. فضل خودش را همان مهدی می نامید و همه را ملزم به پیروی از خود می دانست.

فضل الله مدت ها در بین شهرهای مختلف از جمله اصفهان و دامغان و بروجرد و باکو و تبریز و هویزه و غیره در حرکت بود و افکار خود را تبلیغ میکرد. سیر حوادث مختلف او را به سمت شروان گریزان کرد تا به میرانشاه، پسر تیمور، پناه ببرد ولی قیام عامه علیه وی، به گوش شخص تیمور نیز رسیده بود و از میرانشاه خواست که او را به قتل برساند، میرانشاه به دست خود، فضل الله را کشت.<sup>۵۲</sup>

از فضل الله، سه کتاب برای حروفیان، بجا ماند که عبارتند از: جاودان نامه (نو و قدیم)، محبت نامه و عرش نامه.

۴۶ . امینی، عبدالحسین، ۱۳۵۲، شهداء الفضیله، دارالشهاب، قم، ص ۷۹ تا ۸۰

۴۷ . آقابزرگ تهرانی، الذریعه، همان، ج ۵، ص ۷۷.

۴۸ . مدرس تبریزی، محمد علی، ۱۳۶۹، ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب، کتابفروشی خیام، تهران، ج ۶، ص ۲۱۸ تا ۲۲۰.

۴۹ . اژند، یعقوب، ۱۳۶۹، حروفیه در تاریخ، نشر نی، تهران، ص ۳.

۵۰ . ریتسر، هلموت، بی تا، آغاز فرقه حروفیه، ترجمه: حشمت مویذ، بی تا، بی جا، ص ۱۹.

۵۱ . کیا، صادق، ۱۳۳۰، واژه نامه گرگانی، دانشگاه تهران، ص ۲۶.

۵۲ . شیعی، همان، ص ۱۷۳.